

به نام خدا

نمونه موردی مشارکت عمومی در بازسازی شهری در هلند

در سال ۲۰۰۰ یک انفجار در انبار یک کارخانه کل یک منطقه از شهر انشد هلند به نام رومبیک را تخریب کرد. در این انفجار ۲۲ نفر کشته شدند و بیش از ۹۰۰ نفر نیز مجروح شدند. بعلاوه، خانه ۱۵۰۰ نفر از شهروندان نیز تخریب شد و این افراد به جای دیگری منتقل شدند. منطقه رومبیک در واقع یک محله فقیرنشین مرکز شهر بود که بیش از ۵۰ درصد از واحدهای مسکونی آن، مسکن اجتماعی به حساب می‌آمد و اغلب سکنه آن را هم افراد کمبضاعت تشکیل می‌دادند.

در همان هفته‌های اولیه پس از فاجعه، اجماعی گسترده در این شهر به وجود آمد که افراد آسیب دیده باید نقشی حداکثری در فرایند بازسازی این منطقه داشته باشند. بر این اساس تصمیم گرفته شد تا نگرش شهروندان در مورد محله‌ای که می‌خواهند داشته باشند باید منبع اصلی برای طراحی منطقه باشد. برای تحقق این امر و درگیر کردن ساکنان (قبلی) در فرایند بازسازی، اقدامات گسترده‌ای انجام شد تا همه این افراد بتوانند عقاید و انتظارات خود را مطرح کنند. تجربیات قبلی بازسازی پس از فاجعه نشان می‌داد که هر چه به مشارکت مردمی و فرایند تصمیم‌گیری جمعی اهمیت بیشتری داده شود، عملاً سرعت انجام کار کمتر خواهد بود (اولشانسکی، ۲۰۰۶: ۱۴۸). از سوی دیگر این مشکل هم وجود داشت که در صورت عدم مشارکت گروه‌های مختلف مردم، تنها بخش کوچکی که نمی‌توان آنها را نماینده همه دانست در فرایند طراحی و بازسازی منطقه شرکت خواهند داشت؛ بنابراین این دو مسئله اصلی در برابر مدیران شهری در طراحی یک فرایند مشارکتی برای بازسازی رومبیک وجود داشت.

برای این کار شهرداری رومبیک کلیه تسهیلات را برای فراهم کردن فرصت مشارکت همه گروه‌ها از جمله مردان و زنان ترک تبار، مردان و زنان مراکشی، سالمندان، مغازه‌داران محلی، هنرمندان و جوانان را فراهم کرد. سه پانل تخصصی از کارشناسان نیز ایجاد شد که اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی را در اختیار شهروندان قرار میداد. اولین دور جلسات در فوریه و مارس ۲۰۰۱ برگزار شد و هدف اصلی آن جمع‌آوری نظرات و انتظارات ساکنان قبلی و همچنین دیدگاه کارشناسان در مورد بازسازی محل بود. خروجی این جلسات مردمی و کارشناسی، ورودی گروه طراحی شد. پس از مدتی نتیجه کار این گروه طراحی بر اساس اطلاعات به دست آمده به شهرداری ارائه شد و طرح اولیه کار به شهروندان معرفی شد. در دور دوم جلسات که در ژوئن ۲۰۰۱ برگزار شد، بازخورد طرح در بین شهروندان بررسی شد. البته برای همه شرکت‌کنندگان از ابتدا به روشنی گفته شده بود که تصمیم‌گیری نهایی بر عهده شورای شهر خواهد بود.

در نتیجه جلسات دوم، اکثریت مطلق افراد با طرح پیشنهادی موافقت کردند و در نهایت در نوامبر ۲۰۰۱ طرح به تأیید شورای شهر نیز رسید.

یکی از قسمت‌های مهم این طرح مشارکتی نحوه انتخاب افراد و تعیین حقوق و مسئولیت‌های شرکت‌کنندگان بود. در بسیاری موارد به سبب روشن نبودن قواعد کار، طرح‌های مشارکتی به بن بست می‌رسند. برای اجتناب از این امر، در طرح بازسازی رومبیک، نهادهای سازنده قواعد و نقش‌ها در دستور کار قرار گرفت. سه دسته قواعد در کارهای مشارکتی باید تعریف شوند؛ اول قواعد موقعیت

که سه گروه اصلی فرایند یعنی شرکت کنندگان، تسهیل‌گران و طراحان شهری را از هم متمایز می‌کند. دوم قواعد مرزی هستند که نشان می‌دهند افراد برای هر یک از موقعیت‌های ذکرشده چگونه انتخاب می‌شوند. سوم، قواعد اقتدار هستند که مجموعه فعالیت‌های هر یک از این نقش‌ها را تعریف می‌کند. در طرح بازسازی رومبیک، شرکت کنندگان بر اساس موقعیت مکانی انتخاب شدند که بر این اساس دو گروه از شهروندان به طور مشخص به جلسات دعوت شدند: (۱) افرادی که در منطقه رومبیک زندگی می‌کردند و (۲) افرادی که در خیابان‌های اطراف ساکن بودند و تا حدودی از فاجعه آسیب دیده بودند. جهت دعوت به جلسات برای این افراد دعوتنامه‌های شخصی ارسال شد. البته به خاطر اینکه بسیاری منطقه را ترک کرده بودند، امکان یافتن نشانی همه آنها وجود نداشت و بنابراین از روش‌های غیرمستقیم نیز برای اعلام زمان برگزاری جلسات و دعوت از افراد استفاده شد. در تمام دعوتنامه‌ها نیز از افراد خواسته شد تا موضوع را به کسانی که می‌شناسند اطلاع بدهند. از تمام ظرفیت‌های نهادهای محلی برای جستجوی افراد نیز بهره گرفته شد.

یکی از اقدامات شهرداری رومبیک در مراحل اولیه کار، اجرای پروژه "سازندگان فردا" بود که در مدارس ابتدایی شهر اجرا شد. در این طرح که با کمک داوطلبان هنرمندان و طراحان شهری انجام شد، از کودکان خواسته شد تا شهر مطلوب خود را به تصویر بکشند که نتایج این پروژه در نمایشگاهی به بازدید عمومی گذاشته شد. در طول مدت اجرای این پروژه و برگزاری نمایشگاه به طور مداوم بر اهمیت مشارکت والدین کودکان در جلسات رسمی تأکید می‌شد. موضوعاتی که قرار بود در جلسات شهروندان مطرح شود معمولاً از قبل سازماندهی شده بود. برگزارکنندگان با ارائه اطلاعات به مردم در قالب عکس و نوشته، موضوعات اصلی برای بحث و تبادل نظر را در اختیار شهروندان قرار دادند. این موضوعات که حدوداً ۸۰ مورد می‌شد که عمدتاً مسائل اصلی در مورد آینده محله بود که باید در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌شد. این گسترده موضوعات آن قدر جامع بود که شهروندان می‌توانستند تقریباً در مورد همه مسائل مرتبط به طراحی محله گفتگو کنند. البته این حق برای آنها وجود داشت که اگر مواردی دیگر را نیز علاوه بر این ۸۰ مورد در نظر دارند، بیان کنند. یکی از مسائل مهم در این زمینه، تعهد شهرداری به احترام به نظر شهروندان در جلسات بود که مداوماً به صورت عمومی تکرار می‌شد. ساختار نهادی فرایند مشارکت بر سه اصل اساسی استوار بود. اول اینکه این ساختار بر مبنای مجموعه‌ای از قواعد غیررسمی شکل گرفت که برآمده از اصل حق انتخاب شهروندان آسیب دیده برای طراحی آینده دلخواه محله بود. دوم، تعهد پایدار و جدی نهادهای رسمی درگیر در پروژه برای استفاده از حداکثر ممکن مشارکت شهروندان رومبیک بود. سوم اینکه فرایند مشارکتی این حق را به مشارکت کنندگان میداد که قبل از ارائه طرح به شورای شهر، با رأی‌گیری در مورد طرح اولیه اعلام نظر کنند. مطالعه دنترز و کلاک (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که در حدود ۲۴ درصد از ساکنان منطقه آسیب دیده و ۹ درصد از ساکنان مناطق اطراف در این فرایند شرکت کرده‌اند. در مورد منطقه مرکزی رومبیک باید به این نکته اشاره شود که حدود ۴۰ درصد از ساکنان اعلام کرده بودند که دیگر قصدی برای بازگشت به محله ندارند. مطالعات آنها نشان می‌دهد ۴۸ درصد از کسانی که تمایل زیادی برای بازگشت و سکونت در محل داشتند، در فرایند مشارکتی طراحی محله شرکت کرده بودند. در مجموع می‌توان گفت که پروژه طراحی مشارکتی رومبیک یک نمونه موفق از مشارکت عمومی با درصد قابل‌پذیرشی از مشارکت افراد محلی بشمار می‌آید.